

سیمای اهل بیت^(ع) در اشعار فدایی هروی

میثم حنیفی^۱، صدیقه حسینی^۲

چکیده

عشق و ارادت به پیامبر اسلام^(ص) و اهل بیت^(ع) ایشان از جمله موضوعات مهمی است که تاریخ ادبیات فارسی دری هیچ‌گاه از آن خالی نبوده است. شاعران و نویسندگان فارسی اعم از شیعه و سنی همواره این موضوع را مدنظر داشته‌اند و هریک به فراخور نگاه خاص خود، جنبه‌ای از این ارادت ورزی را برجسته کرده‌اند: از توصیف و نعت و مدح گرفته تا توسل و شفاعت خواهی؛ از تبیین مکتب و مقام و منزلت اهل بیت^(ع) تا مرثیه و سوگ در مصائب ایشان و موضوعات دیگر. فدایی هروی، از شاعران برجسته معاصر افغانستان نیز از این رویکرد مستثنا نیست. دیوان شعر وی مشحون از عشق ورزی و ابراز ارادت به پیامبر اکرم^(ص) و خاندان مطهر ایشان است؛ به نحوی که حدود ۶۰ درصد اشعار وی با زمینه مدح و توصیف سیمای پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع) سروده شده است. این پژوهش درصدد بررسی چگونگی بازتاب سیمای پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع) در دیوان اشعار فدایی هروی است. پژوهش پیش رو، به شیوه توصیفی تحلیلی به انجام رسیده و داده‌های آن به روش کتاب‌خانه‌ای به دست آمده است. از مهم‌ترین موضوعات تکرارشونده در این دیوان، می‌توان به توصیف و مدح خاندان عصمت، ذکر بعضی از معجزات پیامبر^(ص) و کرامات اهل بیت^(ع)، مرثیه، توسل و شفاعت خواهی اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: شعر معاصر افغانستان، فدایی هروی، اهل بیت^(ع)، مدح، رثا.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت^(ع) (نویسنده مسئول) hanifimeysam@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت^(ع).

۱. مقدمه

براتعلی فدایی هروی یکی از شاعران برجسته شعر معاصر افغانستان بوده که به جهت سابقه هفتاد و پنج سال شاعری و بنیانگذاری انجمن‌های ادبی مختلف، در مجامع ادبی افغانستان لقب «شیخ الشعرا» گرفته است. بیش از ۲۲۰۰ بیت - یعنی حدود ۶۰ درصد - از اشعار دیوان فدایی هروی به مدح و توصیف پیامبر اسلام^(ص) و اهل بیت^(ع) اختصاص دارد. فدایی هروی آن فرزندان پاک را الگوی انسانیت دانسته و مردم را برای نجات از سختی و مشکلات، به توسل به پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع) ایشان تشویق و ترغیب می‌کند. بررسی چگونگی بازتاب سیمای اهل بیت^(ع)، خصوصیات و ویژگی‌های آنان در شعر براتعلی فدایی هروی، از مهم‌ترین بایسته‌های پژوهش در شعر اوست. این پژوهش گذشته از تبیین این موضوع، درصدد معرفی بیشتر این شاعر بزرگ افغانستانی به جامعه ادبی ایران است. عشق‌ورزی و ابراز ارادت به پیامبر اکرم^(ص) و خاندان مطهر ایشان در سراسر اشعار فدایی بسآمد بسیار بالایی دارد؛ به نحوی که حدود ۶۰ درصد اشعار وی با زمینه مدح و توصیف سیمای پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع) سروده شده است. این پژوهش درصدد بررسی چگونگی بازتاب سیمای پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع) در دیوان اشعار فدایی هروی است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

براساس جستجوی نگارندگان، تاکنون پژوهش مستقلی به موضوع اهل بیت^(ع) در دیوان فدایی هروی، نپرداخته است. تنها چند پایان‌نامه کارشناسی با موضوع دیوان فدایی هروی در افغانستان، به خصوص در زادگاه شاعر به انجام رسیده که هیچ‌کدام به موضوع اهل بیت^(ع) اختصاص ندارند و البته هیچ‌یک هم به چاپ نرسیده‌اند. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نگاهی به شعر و شخصیت فدایی هروی، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه هرات، دانشجو: میلاد مطهری.
- بررسی صورخیال استعاره و مجاز در دیوان فدایی هروی، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه هرات، دانشجو: سعیده احمدی.
- بدیع معنوی در دیوان استاد فدایی هروی، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه هرات، دانشجو: فوزیه حسن‌زاده.
- بررسی آثار و افکار فدایی هروی، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه هرات، دانشجو: فاطمه غلام‌سخی.
- دین و مذهب در دیوان فدایی هروی، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه هرات، دانشجو: فوزیه سردار احمد.

۲-۱. معرفی شاعر

براتعلی فدایی هروی فرزند عبدالصمد در بهار ۱۳۰۸ ه.ش. در محله خواجه عبدالله انصاری در شهر باستانی هرات، چشم به جهان گشود. فدایی پنج‌ساله بود که پدرش توانست در محله قطبی چاق، ناحیه اول شهر هرات، خانه کوچکی خریداری کند و پس از آن به شغل عطاری بپردازد. پدر وی در همان سال او را به مسجد محل فرستاد تا آموزش‌های متداول را ببیند. فدایی با توجه به استعدادی که داشت، تا سن هفت سالگی توانست خواندن و نوشتن را بیاموزد. پس از آن، از سوی جد مادری اش که مردی فاضل و خوشنویس بود و بیشتر عمرش را در دوایر دولتی در امور انشا و تحریر سپری کرده بود، به مطالعه و نوشتن تشویق و راهنمایی شد و در همان دوران، آثار ادبیات کلاسیک مانند شاهنامه فردوسی، اسکندرنامه، رستم‌نامه، خمسه نظامی، محبوب‌القلوب و... را خواند. فدایی می‌گوید:

«خواندن این آثار در آن سال‌ها برایم دشوار بود و مرا وادار کرد برای فهم معنی واژگان

به سراغ لغت‌نامه‌ها بروم و فرهنگ‌هایی مانند غیث‌اللغات، منتخب‌اللغات، چراغ هدایت، سراج‌اللغات و... را همیشه کنار دست خود داشته باشم. این بود که کم‌کم دایره مطالعاتم وسیع‌تر شد و با بیشتر آثار شاعران کهن آشنا شدم» (فدایی، ۱۳۹۹: ۱۳).

در سن دوازده‌سالگی ذوق شعر در وی جوانه زد. فدایی پس از پایان تحصیلات رسمی، در شرکت ارزاق مشغول به کار شد و سپس در وزارت فواید عامه به‌عنوان کارمند رسمی استخدام شد. براتعلی فدایی در سال ۱۳۵۱ ه.ش. در بادغیس کارمند وزارت فواید عامه بود که قحطی، فاجعه‌ای سنگین را با خود به همراه آورد؛ در حدی که غذای مردم علف‌های خشک بود و کودکان بی‌شماری روی دست مادرانشان از گرسنگی جان دادند. اربابان و صاحبان زر و زور در معامله با کارمندان دولت گندم‌های امدادی را می‌فروختند. درحالی‌که پدران و مادران زیادی مجبور شده بودند دختران و پسران خود را برای رهایی از گرسنگی بفروشند. در این دوره فدایی از حنجره‌هایی بود که درد مردم را فریاد می‌کشید. این اعتراض‌ها سبب شد او در بادغیس مورد تهدید قرار گیرد. در آن سال‌ها اشعار فدایی و دیگر شاعران در نشریه ترجمان و دیگر نشریات کشور به چاپ می‌رسید تا اینکه دولت را مجبور کرد هیئتی برای بررسی اوضاع به بادغیس بفرستد. مدت کمی بعد از سفر این هیئت، فدایی نیز بازنشسته شد و به مشاغل آزاد روی آورد.

پس از حادثه حمله قشون سرخ شوروی به افغانستان، در ۲۴ اسفند ۱۳۵۷ که باعث کشته شدن تعداد زیادی از شهروندان هرات شد، مرحله دیگری از زندگی فدایی در هجرت آغاز گردید. وی در کشور ایران ساکن شهر مشهد شد؛ اما هم‌چنان قلب و قلمش برای سرزمین و مردم داغدارش می‌تپید و در جریان‌های مختلف مقاومت علیه تجاوز و استعمار، بانی حرکت‌های فرهنگی مختلف می‌شد. فدایی که در کارنامه خود ریاست «انجمن دوستداران سخن» را در هرات به عهده داشت، اولین کسی بود

که مهاجران افغانستانی مقیم ایران را گرد خود جمع نمود و «انجمن شعرای مهاجر» را تأسیس کرد. این دو انجمن اولین بستر پرورش ذوق شاعرانه تعداد زیادی از شاعران نام‌آشنای امروز افغانستان است (همان: ۱۳-۱۵).

فدایی پس از پیروزی مجاهدین در سال ۱۳۷۱، به زادگاه خود هرات برگشت و نزدیک سه دهه آخر عمرش را در آنجا گذراند. این شاعر بزرگ به علت سابقه طولانی شعری اش در افغانستان به ویژه در شهر هرات، به شیخ‌الشعرا معروف بود. وی در سن ۹۲ سالگی در ۵ آذر ۱۴۰۰ بر اثر بیماری درگذشت.

۲. بحث

مهم‌ترین اثر به‌جامانده از فدایی هروی، دیوان اشعار اوست که در سال ۱۳۹۹ در هرات به چاپ رسیده است. این دیوان مشتمل بر ۳۵۸۱ بیت است که در قالب‌های قصیده، غزل، مثنوی، قطعه، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مسمط، مخمس، چهارپاره، رباعی، دوبیتی و ۲۵۲ خط شعر نیمایی سروده شده‌اند. بیش از ۲۲۰۰ بیت، یعنی حدود ۶۰ درصد از اشعار دیوان فدایی هروی به مدح و توصیف پیامبر اسلام^(ص) و اهل بیت^(ع) اختصاص دارد.

در این بخش، پس از ذکر بسامد ابیات مربوط به پیامبر^(ص) و هریک از معصومین^(ع)، مهم‌ترین موضوعات به همراه نمونه‌هایی از ابیات ذکر می‌شود.

پراکندگی ابیات در دیوان با موضوع اهل بیت^(ع) و در قالب‌های مختلف شعری، به شرح جدول زیر است: (شماره صفحات مبتنی بر چاپ سال ۱۳۹۹ هرات است. همچنین در نشانی ابیات، عدد سمت راست مربوط به شماره صفحه و عدد سمت چپ مربوط به شماره بیت است.)

شخصیت	قالب	موضوع	تعداد ابیات	صفحه
پیامبر اکرم (ص)	۷ قصیده	نعت	۲۲۸	۱۱۱-۱۴۹
پیامبر اکرم (ص)	۸ مثنوی	منقبت	۲۹۷	۲۹۲، ۲۹۳، ۳۱۹، ۳۱۵، ۳۸۸، ۳۹۴، ۴۰۲، ۴۹۱
حضرت علی (ع)	۳ قصیده	مدح	۱۷۱	۱۱۵، ۱۳۵، ۱۴۶
حضرت علی (ع)	۳ ترکیب بند	مدح	۱۳۴	۲۰۲، ۲۳۵، ۲۳۸
حضرت علی (ع)	۵ مثنوی	سخنان و نامه‌ها	۷۶۰	۳۰۲، ۴۰۳، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۴۵
حضرت زهرا (س)	۱ قصیده	مدح	۳۹	۱۱۹
امام حسین (ع)	۱ قصیده	مدح	۲۶	۱۵۸
امام حسین (ع)	۳ ترکیب بند	مدح	۸۷	۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۸
امام حسین (ع)	۱ غزل	مدح	۱۳	۸۶
امام رضا (ع)	۱ قصیده	مدح	۲۸	۱۳۱
امام رضا (ع)	۱ ترکیب بند	مدح	۳۵	۱۸۹
امام جواد (ع)	۱ قصیده	مدح	۳۱	۵۱۸
امام جواد (ع)	۱۳ مثنوی	سخنان و نامه‌ها	۱۶۴	۴۹۳-۵۰۵، ۵۱۱-۵۱۲
امام جواد (ع)	۵ غزل	مدح	۴۲	۵۱۳-۵۱۵
امام جواد (ع)	۱۴ رباعی	مدح و سخنان	۲۸	۵۰۹-۵۱۲
امام حسن عسکری (ع)	۱ قصیده	مدح و میلاد	۱۹	۱۶۰

شخصیت	قالب	موضوع	تعداد ابیات	صفحه
امام عصر ^(عج)	۲ قصیده	مدح و انتظار	۶۰	۲۲۱-۲۲۶
امام عصر ^(عج)	۱ غزل	مدح و التجا	۱۰	۱۰۵
امام عصر ^(عج)	۱ مثنوی	مدح و انتظار	۳۲	۳۰۰
امام عصر ^(عج)	۱ ترجیع بند	مدح و انتظار	۴۸	۱۸۶

۱-۲. پیامبر اکرم^(ص)

مدح پیامبر اسلام^(ص)، ذکر اسامی و القاب، وصف عظمت و اخلاق و اشاره به معجزات ایشان، از جمله موضوعاتی بوده که در دیوان بازتاب یافته است. بعضی از این ابیات در ادامه برای نمونه نقل می‌شود.

اسامی و القاب:

ابوالقاسم محمد شهسوار کشور سرمد

که شد از حق مؤید بر تمام اسفل و اعلی

(۱۴۲/۵)

حمید و حامد و محمود، مصطفی و محمد

تویی مؤید یاسین، تویی مخاطب طاها

(۱۴۲/۵)

ای مه برج رسالت، سرور امی لقب!

اشرف اولاد آدم، صدر دین، بدر انام!

(۱۴۶/۳)

دُرِ کَنْزِ مَخْفِی، رَسولِ اَمین

که کرد آشکارش جهان آفرین

(۴۰۲/۴)

دُرِ کَنْزِ مَخْفِی، رَسولِ اَمین

که کرد آشکارش جهان آفرین

(۴۰۲/۴)

به قرآن نسخه‌ای در وصف جاه و رتبه‌اش یاسین

ز یزدان نکته‌ای اندر ثنا و مدحتش طاها

(۱۴۲/۷)

یکی از القاب مهم پیامبر (ص) که بیانگر مهربانی ایشان و مأموریت جهانی حضرت بوده، «رحمت للعالمین» است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم» (انبیاء: ۱۰۷).

تویی آن «رحمة للعالمین» شایها که در عالم

در رحمت گشودی بر رخ هر مؤمن و ترسا

(۱۴۳/۲)

خواست یزدان کز ضلالت و ارهاند خلق را

کرد ظاهر نور پاک رحمت للعالمین

(۱۱۴/۱۲)

خاتم پیامبران^(ص):

نمود ختم به ایجاد او نبوت را
گشود بر رخ گیتی در سعادت را

(۴۹۱/۸)

اخلاق پیامبر^(ص):

تو آن سر دفتر دیوان اخلاقی که در قرآن
ستوده صاحب خُلق عظیمت قادر دانا

(۱۴۳/۴)

در مورد اخلاق پیامبر^(ص) همین بس که خدای متعال در قرآن فرمود: «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» یعنی به راستی تو بر خلق و خوی بس بزرگی هستی (قلم: ۴).

عظمت پیامبر^(ص):

هستی و وجود کائنات وابسته وجود پیامبر^(ص) است. حدیث مشهور به «لولاک» بیانگر این حقیقت است: «لَوْلَاکَ لَمَّا خَلَقْتُ الْأَفْلَکَ؛ خَدَاوَنَدُ فَرَمُودُ: اَی مُحَمَّدًا! اِکْرَهَ بِه خَاطِرُ تُو نَبُودَ جِهَانَ رَا نَمِی آفَرِیدَم» (فروزانفر، ۱۳۸۰: ۴۸۴).

سزوار «لولاک» ختم رُسل

هدایت‌گرانس و جان، عقل کُل

(۴۰۲/۷)

فدایی هروی چندین بار به این حدیث اشاره کرده است: (۱۶۳/۱۱)، (۲۹۱/۸)، (۱۱۱/۴)،

(۱۴۱/۱) و (۴۹۱/۹)

سوگند به جان پیامبر^(ص) نشان از عظمت وجودی ایشان دارد. فدایی از این سوگند با عبارت «تاج لعمرک» و «سلطان لعمرک» یاد کرده است که اشاره به آیه ۷۲ سوره مبارکه حجر دارد: «لَعْمَرِكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ»، ای محمد! به جان تو سوگند که آن‌ها در مستی خود سرگشته‌اند.

سید ابرار، سلطان «لعمرک» عقل کل

احمد مختار، فخر دودمان ماء و طین

(۱۱۴/۹)

مکمل به تاج «لعمرک» سرش

مخلع به تشریف «طاها» برش

(۴۰۲/۸)

پیامبر اسلام^(ص) قبل از زندگی ظاهری در این دنیا، یاور پیامبران بزرگ و شفیع ایشان در بلایا بوده است:

اگر به نام تو سوگند می‌نداد خدا را

نمی‌رسیدی آدم به وصل جنت و حوا

(۱۱۲/۲)

چوزد دست توسل نوح پیغمبر به دامانش

نجاتش داد از طوفان محنت حی بی‌همتا

(۱۴۲/۱۰)

اگر به درگه لطف تو التجا نمودی

نجات نوح نبود از چهار موجۀ دریا

(۱۱۲/۳)

ز تاب نور تو بود آن تجلی ای که به سینا

نمود جلوه که شد صبر و تاب از کف موسی

(۱۱۲/۵)

ز خورشید جمالش پرتوی شد جلوه گر آنگه

که موسی «رب ارنی» گفت اندر وادی سینا

(۱۴۲/۱۱)

دم جان بخش او گر همدم عیسی نمی بودی

نگشتی مرده پوسیده هرگز از دمش احیا

(۱۴۲/۱۲)

نبودی یوسف اردیباچه خوان مکتب حسنش

به تخت سلطنت از چاه زندان کی نهادی پا؟

(۱۴۲/۱۳)

معجزات پیامبر اکرم (ص): پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروریختن چهارده کنگره ایوان کسری و... شبی که رسول خدا در آن به دنیا آمدند،

ایوان کسری شکسته شد و چهارده کنگره آن فروریخت و آتش فارس خاموش شد که

هزار سال قبل از آن خاموش نشده بود و دریاچه ساوه فرورفت (طبری، ج ۱: ۴۵۹).

کشید مشعل نور تو چون شراره به عالم

خاموش گشت ز شرم آتش از معابد ترسا

(۱۱۱/۸)

بخفت روشنی آتش از معابد فارس

شکست رونق زردشت تا به نفخه صور

(۱۴۰/۱۴)

سرنگون گردید از طاق حرم لات و هبل

تا مزین شد ز نامش قبله اهل یقین

(۱۱۴/۱۵)

معراج: در شعر فدایی موضوع معراج و نزدیکی پیامبر(ص) به خداوند متعال، با توجه به آیاتی از سوره نجم بازتاب یافته است. پیغمبر در شب معراج بسیار به خداوند نزدیک شد؛ به طوری که فاصله او به اندازه دو کمان بلکه کمتر بود. در سوره نجم آیات ۷ و ۸ و ۹ می‌فرماید: «وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى * ثُمَّ دَنَى فَتَدَلَّى * فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى؛ و او بود بر افق برتر، پس نزدیک آمد پس نزدیک شد، پس بود قدر دو کمان یا نزدیک‌تر».

خدا و دنی تاج و معراج، تخت

که در قاب قوسین افکند رخت

(۴۰۲/۳)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایان بن علوم انسانی
خدییوی که بارفعت عز و جاه

قدم زد به معراج قرب اله

از او قاب قوسین، زیور گرفت

نه افلاک از او زینت و فرگرفت

(۳۸۶/۱،۲)

به سخن در آمدن سنگ ریزه‌ها: تسبیح سنگ ریزه‌ها از معجزات مشهور حضرت

رسول اکرم^(ص) بوده که به چند صورت نقل شده است: «عَنْ أَبِي ذَرِّ قَالَ كُنَّا جُلُوسًا مَعَ النَّبِيِّ^(ص) فَأَخَذَ حُصْبَاتٍ فِي كَفِّهِ فَسَبَّحَنَ ثُمَّ وَضَعَهُنَّ فِي الْأَرْضِ فَسَكَتَنَ ثُمَّ أَخَذَهُنَّ فَسَبَّحَنَ؛ از ابی ذر غفاری نقل می‌کنند که گفت ما با پیغمبر^(ص) نشستیم و او چند سنگریزه در مشت گرفت و آن‌ها تسبیح گفتند؛ سپس بر زمینشان نهاد و خاموش شدند؛ دیگر بار در مشت گرفت و آن‌ها تسبیح گفتند» (فروزانفر، ۱۳۸۰: ۹۸).

پی گواهی تو سنگ‌ریزه شد متکلم

چنان‌که برّه بریان به پیشت آمده گویا

(۱۱۲/۶)

شق القمر: در دو بیت از اشعار فدایی معجزه شق القمر حضرت محمد^(ص) با زتاب یافته است. خداوند در سوره «قمر» این موضوع را بیان نموده است: «إِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ؛ قیامت نزدیک شد و ماه بشکافت» (قمر: ۲ و ۱).

به یک اشاره که شد مه دو نیمه بر فلک از تو

گرفت دین به میان جای و شد مدینه تو را جا

(۱۱۲/۸)

تویی کز پنجه معجزنمایت ماه برگردون

دو شق گردید بهر امتحان فرقه اعدا

(۱۴۳/۱)

قرآن: قرآن کریم بزرگترین و برترین معجزه پیامبر اسلام^(ص) است که با آغاز رسالت آن حضرت^(ص) برای هدایت بشر و خلاصی آن‌ها از گمراهی نازل شد.

همه نظام قوانین اجتماع بشر

ز لطف بار خدا در کتاب او مسطور

(۱۴۱/۵)

بهر خلاصی بشر از گمراهی رسید

دستور نامه ای به وی از وحی کردگار

(۲۰۶/۹)

التجا به پیامبر و درخواست شفاعت از ایشان:

یا نبی الله! ای درماندگان را دادرس!

دست ما و دامن لطف تو تا روز پسین

بنده عاصی فدایی در صف روز جزا

دارد امید شفاعت یا شفیع المذنبین!

(۱۱۵/۴-۵)

به هنگام شفاعت، یا شفیع المذنبین! از تو

«فدایی» نیز دارد یک نگاه لطف استدعا

(۱۴۳/۷)

۲-۲. حضرت علی^(ع):

تولد در کعبه:

به غیر ذات علی کیست خانه زاد خدا

که راست این شرف و عزت و وقار اینک؟

(۱۳۷/۱۴)

خوشا مراتب فرزند کعبه فخر بشر

که جلوه کرد چو خورشید بر مدار اینک

(۱۳۷/۱۰)

شاعر میلاد حضرت علی^(ع) را در یک مثنوی ۲۸ بیتی تحت عنوان «میلاد نور» آورده که واقعه ولادت آن حضرت را در کعبه به تصویر کشیده است. (فدایی هروی، ۱۳۹۹: ۲۹۸ و ۲۹۹).

وصف حضرت علی^(ع) در قرآن:

ز «هل اتا»ش بود تاج و «انما» رفعت

بود ز آیه تطهیر در برش خلعت

(۲۹۹/۷)

فدایی هروی در این بیت به دو موضوع مهم در باب حضرت علی^(ع) اشاره دارد که در قرآن کریم آمده است: یکی نزول سوره دهر معروف به «هل اتی» که در شأن امیر مومنان^(ع)، حضرت فاطمه^(س) و دو فرزندشان نازل گردیده است. علمای شیعه و نیز بسیاری از علمای اهل سنت اتفاق نظر دارند که این آیه به همراه آیاتی دیگر (هجده آیه از این سوره یا تمامی آن) درباره سه روز روزه گرفتن امام علی^(ع)، فاطمه^(س)، حسنین^(ع) و فضه نازل شده است. نقل شده است که این افراد با اینکه گرسنه بودند، افطاری خود را به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند. روایات بسیاری وجود دارد که این شأن نزول را بیان می کنند (رک: زمخشری، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۶۷۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰هـ.ق، ج ۳: ۷۴۶؛ طبرسی، ۱۳۸۳، ج ۱۰: ۶۱۱ و امینی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۱۵۵).

موضوع دیگر، آیه تطهیر است. بعضی بر این نظرند که مخاطب این آیه فقط پیامبر^(ص) و همسران وی هستند؛ اما اکثر کتب مهم تفسیری سنی و شیعی، آیه تطهیر

را در شأن فاطمه (س)، علی (ع) و حسنین (علیهم السلام) می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج: ۱: ۴۶۴-۴۶۷). همچنین در ابیات: (۴۰۳/۱۰)، (۱۱۸/۱۳)، (۱۴۷/۱۰)، (۱۳۷/۱۳) به شأن نزول سوره «هل اتی» اشاره شده است.

«اطیعوا الله» و هم «اطیعوا الرسول»

بود واجب انسان که داری قبول

و حکم «اولی الامر» را در کتاب

خدا خوانده بر بنده راه صواب

(۴۲۳/۷، ۸)

جمله «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول» که در این بیت فدایی بازتاب یافته، در مورد اطاعت خدا و رسولش است و «اولی الامر» درباره خاندان و اهل بیت رسول خدا (ص) بوده که خداوند اطاعت آن‌ها را برای پیروانشان واجب فرموده است: «یا ایُّها الذین ءامنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم... ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و از پیامبر و کاردارانی که از شما هستند، فرمان برید (نسا/۵۹)؛ درخصوص مصادیق اولی الامر بحث‌های بسیاری در کتاب‌های تفسیری شیعه و سنی صورت گرفته است و میان شیعیان و اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. طبق نظر مفسرین شیعی، امامان دوازده‌گانه مصادیق اولی الامر هستند. به گفته علامه حلی روایات متواتری از روایان شیعه و اهل سنت وجود دارد که بر این مسئله دلالت می‌کند (علامه حلی، ۱۴۱۷: ۵۳۹).

از «آما ولیکم الله»، مقصدی

از «هل اتی» تو صاحب دیهیم و افسری

(۱۱۸/۱۳)

این بیت به آیه ولایت در قرآن کریم اشاره دارد: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»: ولی و سرپرست شما تنها خدا و رسول اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند (مائده: ۵۵). خدا در این آیات سرپرست و ولی مسلمانان را مشخص می‌سازد. شایان توجه است که آیه مذکور با کلمه حصر شروع شده است؛ یعنی سرپرستی شما مربوط به سه شخص می‌باشد: خدا، رسول و مؤمنانی که صفات مخصوص دارند. تفاسیر شیعه و برخی از تفاسیر اهل تسنن، سبب نزول این آیه را انفاق حضرت علی^(ع) به فقیر در حال نماز می‌دانند. بنا بر آنچه در روایات نقل شده است:

روزی فقیری وارد مسجد پیامبر^(ص) شد و تقاضای کمک کرد؛ ولی کسی چیزی به او نداد. او دست خود را به آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا! شاهد باش که من در مسجد رسول تو تقاضای کمک کردم؛ ولی کسی به من چیزی نداد». در همین حال، حضرت علی^(ع) که در حال رکوع بود، به انگشتی که در دست راستش بود اشاره نمود. فقیر نزدیک آمد و انگشت را از دست ایشان بیرون آورد و این آیه نازل شد. برای نمونه رجوع شود به (طبرسی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۳۰۴)، (طوسی، بی تا، ج ۳: ۵۵۸)، (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۸) و (ایچی، بی تا: ۴۰۵) و همچنین در ابیات زیر به ولایت حضرت علی^(ع) و جریان غدیر خم اشاره شده است:

گل ریاض امامت علی که بعد نبی

به جنّ و انس امیراست و شهریار اینک

مؤیدی که به تأیید کردگار جلیل

نهاده پای بر ایوان اقتدار اینک

ابوالائمه که ارکان شرع مصطفوی

به زور و بازوی وی گشته استوار اینک

بهر مقام و رتبه‌ات این بس که در غدیر

دادت رسول بر همه خلق، برتری

(۱۱۸/۱۵)

و نیز در این ابیات: (۴۰۳/۵)، (۱۳۷/۱)، (۱۴۷/۸)، (۱۳۷/۷)، (۴۰۳/۴)، (۱۱۸/۶)،
(بند ۴/۲۳۶)، (بند ۱/۲۴۰).

عدالت علی^(ع):

شاهی که پیش پنجه ضبط و عدالتش

ضیغم کند غزالی و شاهین کبوتری

(۱۱۷/۱۳)

ای یکه تاز عرصه رزم و دلاوری

وی شاه تخت معدلت و داد گستری

(۱۱۸/۵)

بخشش حضرت علی^(ع): پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

یا مظهر العجائب و یا معدن الکرم

أنظر لنا بفضلک خیر التناظری

(۱۱۸/۳)

علی، آن که گردون نیلی قباب

ز بحر عطایش بود یک حباب

(۴۰۳/۳)

جهان پناه امامی که دامن کرمش

فگنده سایه به نُه طاق زرنگار اینک

(۱۳۷/۱۱)

خلقت حضرت علی^(ع):

هر سحر خورشید بر دربار فیض آثار او

سجده می آرد وزان در می نماید نور و ام

(بند ۵ / ۲۳۶)

با ختم انبیا تو ز یک نور مشتقی

زان رو به مصطفای معلی برادری

(۱۱۸/۸)

این بیت به خلقت حضرت علی^(ع) اشاره دارد که پیامبر اکرم^(ص) فرمود:

«خُلِقْتُ مِنْ نُورِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ خَلَقَ اَهْلَ بَيْتِي مِنْ نُورِي وَ خَلَقَ مُجِبِّهِمْ مِنْ نُورِهِمْ وَ

سَائِرِ الْخَلْقِ فِي النَّارِ: من از نور خدا آفریده شده ام و اهل بیت من از نور من خلقت

یافته اند و دوستان آن ها نیز از نور ایشان آفرینش یافته اند و سایر مردم در آتشند»

(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۰: ۱۵).

و همچنان اشاره دارد به اینکه پیامبر اسلام^(ص) حضرت علی^(ع) را برادر خواند و

فرمود: «إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أُوَاحِيكَ فَأَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: پروردگار متعال به من

فرمان داد و امر کرد که با تو ای علی، عقد اخوت برگزار کنم. پس تو برادر من هستی در

این دنیا و جهان واپسین» (حجازی، ۱۳۸۴: ۱۲۴) و نیز بیت: (۲۰۳/۷)، (۲۹۹/۸).

ضربه ذوالفقار علی^(ع) افضل از عبادت ثقلین:

یک ضربت ذوالفقار تو بر عمرو عبدود

آمد فزون ز طاعت کونین، یکسری

(۱۱۹/۱)

افضل ز عبادات تمام ثقلین

از کشتن عمرو ضرب بازوی علی است

(۲۰۳/۱۳)

شهی که ضربت تیغش ز طاعت ثقلین

فزون تر آمده در روز کارزار اینک

(۱۳۷/۱۰)

فدایی هروی در چند بیت به ضربت شمشیر علی^(ع) در جنگ خندق اشاره کرده است: «ضربه علی یوم الخندق أفضل من عبادة الثقلین»: ضربه علی بن ابی طالب بر عمرو بن عبدود در روز خندق، برتر از عبادت تمام جن و انس است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۹: ۲) و نیز در ابیات: (۲۰۳/۱۱)، (۲۰۳/۲)، (۱۳۷/۸)، (۴۰۳/۲) (بند ۴/۲۳۶).

هموست آن که به بازوی لافتاش یقین

نشان کفر برافتد رواج یابد دین

(۲۹۹/۹)

آن یداللهی که روز خندق اندر کارزار

ضرب شمشیری که زد بر فرق عمرو نابکار

افضل از طاعات جن و انس آمد در شمار

«لافتی الأ علی لا سیف الأ ذوالفقار»

(بند ۳/۲۳۷)

«لافتی إلا علی لا سیف إلا ذوالفقار»: جوانمردی همچون علی^(ع) و شمشیری چون ذوالفقار وجود ندارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۱۱۰ و طبری، ۱۳۶۲، ج ۳: ۱۰۲۷).

شافع روز جزا: پیامبر خدا^(ص) فرمود: «إِنِّي أَشْفَعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَاشْفَعُ* وَيَشْفَعُ عَلِيٌّ، فَيُشَفَّعُ* وَيَشْفَعُ اَهْلَ بَيْتِي، فَيُشَفَّعُونَ: در روز قیامت من شفاعت می‌کنم و شفاعتم پذیرفته می‌شود و علی شفاعت می‌کند و شفاعتش پذیرفته می‌شود و اهل بیتم نیز شفاعت می‌کنند و شفاعتشان پذیرفته می‌شود» (طبرسی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۲۳).

شهریار اوج رفعت، شهسوار لافتی

منشی دیوان رحمت، شافع روز جزا

(بند ۴/۲۳۶)

عفو کن شاها «فدایی» را کز این مدحت‌گری

شرمسار آمد بسی ای شافع یوم الحساب

(۱۴۸/۱۴)

علم علی^(ع):

ای وجودت در مقام قرب فرد بی‌عدیل

کمترین طفل دبستان علومت جبرئیل

(بند ۵/۲۳۷)

پیامبر^(ص) فرمود: «أنا مدينة العلم و عليُّ بأبها» (فروزانفر، ۱۳۸۰: ۳۷).

۲-۳. حضرت زهرا^(س)

اسامی و القاب: حضرت زهرا^(س) چندین نام داشتند که برای هر کدام دلیلی را در روایات ذکر کرده‌اند. یکی از این نام‌ها، زهراست. پیامبر در مورد آفرینش نوری فاطمه^(س)

فرمود: آفریدگار هستی نور فاطمه را بسان مشعلی فروزان آفرید و آن را بر کنگره‌های عرش آویخت و آنگاه بود که آسمان‌ها و زمین‌های هفتگانه به نور او نورباران گردید و به همین جهت او «زهرا» نامیده شد (قزوینی، ۱۳۸۹: ۱۷۸). در بیت فدایی، شاعر واژه ستاره را به عنوان استعاره‌ای از وجود حضرت زهرا^(س) آورده که با اسم آن حضرت «زهرا» و «آسمان» متناسب است.

بر آسمان رسالت ز عترت یاسین

ستاره‌ای بدرخشید و نام شد زهرا

حبیبه، طاهره، انسیه، فاطمه، کوثر

به کنیه امّ ابیها، بتول، خیر نسا

(۱۲-۱۱/۱۲۰)

خانواده حضرت زهرا^(س):

قوام حق و حقیقت به همسرش قائم

نظام شرع و طریقت ز شوهرش بر پا

دو گوهر از یم دامن او حسین و حسن

دو گوشواره عرش و دو رهنمای هدا

یکیش مصدر احسان و حلم و صبر و سکون

یکیش سرور آزادگان هر دو سرا

دو لاله برگ ز بستانش زینب و کلثوم

دو پاسدار اسیران روز عاشورا

یکی پیامبر انقلاب سرخ حسین یکیش قافله سالار دشت کرب و بلا

(۸-۴/۱۲۱)

شفاعت زهرا^(س): حضرت زهرا^(س) در روز قیامت رو به پروردگار می گوید: خداوند! نسل من، دوست داران و رهروان راه من، دوستداران و پیروان نسل شایسته کردم، آن‌ها را مورد عنایت خویش قرار ده! آن‌گاه است که از بارگاه خداوند ندا می‌رسد که کجایند فرزندان و رهروان فاطمه و دوستداران و پیروان نسل پاک و سرفراز او (قزوینی، ۱۳۸۹: ۸۳۷).

از این قصیده مراد عا شفاعت توست

که چون قیام کند گیر و دار روز جزا

به فرصتی که در آیی به عرصه محشر

به دست جامه پر خون سید الشهداء

به دادبنده «فدایی» رسی که در همه عمر

به نامه عملش جز گنه نشد انشا

(۵-۷/۱۲۲)

۲-۴. امام حسین^(ع)

اشعار فدایی با موضوع امام حسین^(ع) را با توجه به انواع ادبی می‌توان در سه نوع حماسی، غنایی و تعلیمی بررسی نمود.

نگاه حماسی: شجاعت و دلاوری‌های امام حسین^(ع) در قیام عاشورا و تن‌ندادن به ذلت، همواره یکی از برجسته‌ترین الگوها برای انسان آزادی خواه بوده است. فدایی شاعری افغانستانی است و در میان جنگ و انتحار و انفجار به سر می‌برد و با سلاح

قلم در کنار مردم ایستاده و برای روحیه‌دهی به جوانان، امام حسین (ع) و قیام عاشورا را در اشعار خود بازتاب می‌دهد.

این است آن دیار که باید ز خون خویش

ویران کنیم خانه ظلم یزید را

این است آن دیار که باید به روزگار

افشا کنیم چهره قوم پلید را

این است آن دیار که تا بر فراز عرش

باید رساند جوشش خون شهید را

خواهیم اگر به هر دو جهان عزّ و آبرو

باید ز خون ما شود اسلام سرخ‌رو

(۱۰-۶/۲۰۹)

پا در رکاب کرد چو سلطان کربلا

از بهر رزم در صف میدان کربلا

احزاب و بدر و خندق و خیبر زیادرفت

در عرصه‌گاه رزم و بیابان کربلا

کرد آن چنان جدال که تا چشم روزگار

شد خیره بر حسین و جوانان کربلا

شد خون خصم ریخته آن سان که قرص مهر

کشتی صفت فتاد به طوفان کربلا

لیکن دریغ و درد که دست جفا فکند

بر خاک، سرو قد دلیران کربلا

(۲۰۰/۱۰-۱۴)

نگاه غنایی: ابیات زیر بیانگر عشق امام حسین^(ع) به خداوند است. عشق آن حضرت بالاترین مرتبه عشق به خداست. او به خاطر این عشق آسمانی و نجات دین اسلام از انحرافات، قیام نمود و در روز عاشورا با سربلندی و فداکاری در راه اسلام و قرآن به شهادت رسید.

هر آنکه در ره جانان ز نقد جان گذرد

به پای عشق ز میدان امتحان گذرد

سرم فدای ره عاشقی که از دل و جان

به یک اشاره معشوق از جهان گذرد

(۴۷/۱۱-۱۲)

یکی از انواع شعر غنایی، مرثیه است. این نوع شعر در ادب فارسی سابقه دیرینی دارد؛ به ویژه اشعاری که در ذکر مصائب و شرح شهادت پیشوایان دین و شهیدان کربلاست. فدایی نیز از جمله شاعرانی است که اشعار زیادی در رثای شهادت امام حسین^(ع)، خانواده و همراهان آن حضرت سروده و حادثه جانگداز عاشورا را به تصویر کشیده است.

غریب و بی کس و بی غسل و بی کفن ماند

ز مال و هستی و اولاد و خانمان گذرد

(۴۸/۱۱)

بستند آب بر رخ مهمان جماعتی

کان قوم را ز خالق یکتا حیا نبود

گویا به غیر کشتن مهمان تشنه لب

آن فرقه را دگر به جهان مدعا نبود

آن ظلم ها که رفت بر آن خسرو جلیل

هرگز نرفته بود ز نمرود بر خلیل

(۲۰۱/۶-۸)

نگاه تعلیمی: آموزه‌های قیام عاشورا در دیوان فدایی بازتاب یافته است. وی امام حسین^(ع) را سرور آزدگان و رهبر انقلاب خوانده و جوانان وطنش را برای پیروزی در راه دفاع از میهن و بیرون راندن متجاوزان از کشور، به پیروی از ایشان توصیه می‌کند.

همیشه درس فداکاری از حسین گیرد

به عزم کعبه مقصود ز آشیان گذرد

هر آن سری که در او نیست عشق میهن و دین

ز خود به راه حقیقت کجا توان گذرد

(۴۸/۱۲-۱۳)

قتل حسین و فاجعه دشت کربلا

پندی است بر جهان بشر تا صف جزا

(۱۹۴/۱۵)

آن را که نیست شیوه جان باختن شعار

در مکتب حسین علی نیست پایدار

(۱۹۶/۱۴)

آن یک امیر و سرور آزادگان حسین

نور دو چشم سید و سالار انبیا

آن میر سرفراز که در پیشگاه ظلم

هرگز نگشت قامت آزاده اش دوتا

آن رهگشای خون و شهادت که تابه حشر

آزادگان کون و مکان راست رهنما

آن کشتی نجات که در روز رستخیز

مستغرق گناه بدو جوید التجا

(۱۵۹/۲-۵)

۲-۵. امام رضا^(ع)

- اسم و لقب امام:

ایا سرشته رضای تو با رضای خدا

از آن نهاد پدر نام نامی تو رضا

(۱۸۹/۱۴)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پتال جامع علوم انسانی
خدایگان خراسان، خدیو خطه توس

سلیل احمد و هشتم امام، شمس شمس

(۱۸۹/۹)

کسی که آهوی وحشی بر او پناه آرد

چه سان ز درگه او ناامید انسان است

(۱۳۴/۳)

این بیت به داستان مذهبی معروف ضامن آهو اشاره دارد. از نظر واقعی بودن این داستان بین اهل علم و تحقیق، اختلاف نظرهایی وجود دارد.

امام رضا^(ع)، کشتی نجات: پیامبر^(ص) می فرماید: «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ النَّوْحِ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا عَرِقَ: مثل اهل بیت من میان شما، مثل کشتی نوح است که هرکس به آن پناه برد، نجات یافت و هرکس از آن جا ماند، هلاک شد» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۱۰۵: ۲۳).

جهان چون زورق و او نوح و آشوب زمان توفان

من و این نوح و این کشتی، چه باک از موج طوفانم؟

(۱۳۱/۱۱)

ضامن غریبان: امام رضا^(ع) پناه دهنده و ضامن بیچارگان است و هیچ کسی در دیار آن حضرت غریب و بی کس نیست.

غریب نیست کسی در پناه دولت او

که او به لطف و کرم ضامن غریبان است

(۱۳۴/۵)

جایگاه زائران رضا^(ع): امام صادق^(ع) از پیامبر بزرگوار نقل کرده اند که رسول خدا^(ص) فرمود:

«سُئِدْفَن بَضْعَةَ مَتَى بَارِضِ خِرَاسَانَ، لَا يَزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ وَحَرَّمَ جَسَدَ عَلِيِّ النَّارِ: به زودی پاره ای از تن من در سرزمین خراسان دفن می شود. هر مؤمنی که او را زیارت کند، خداوند بهشت را بر او واجب کرده است و جسم او را بر آتش جهنم حرام می کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۲: ۳۱).

ملک نوشته بر ایوان او به خط جلی

که جای زائر او صدر باب رضوان است

(۱۳۴/۲)

جود رضا^(ع): دریای جود و مرحمت امام رضا^(ع) مربوط به یک قشر خاص نیست و مؤمن و کافر و زرتشتیان و همه مردم، از آن برخوردارند.

شه سریر ولایت، محیط جود و سخا

مه سپهر امامت، علی بن موسی

(۱۸۹/۸)

کسی ز درگه جود تو ناامید نرفت

اگر که مؤمن دیندار یا که گبر و مجوس

(۱۸۹/۱۲)

۲-۶. امام جواد^(ع)

اسم و لقب: یکی از صفات بسیار بارز امام محمد تقی^(ع)، جود و بخشش است و به خاطر داشتن این صفت، به جوادالائمه معروف هستند. در شعر فدایی نیز در چند بیت به این مسئله اشاره شده است: (۵۰۹/۵-۶)، (۵۰۹/۹)، (۴۹۴/۱۲-۱۴)، (۵۱۰/۱-۲)، (۴۹۵/۱۱).

محمد بن علی رضا که در تقوا

تقی متقی آمد لقب به ارض و سما

(۴۹۳/۹)

از آن به نام جوادالائمه شد مشهور

که بود جود و عطا کار آن طلیعه نور

(۴۹۳/۱۲)

با جود جواد، هفت دریاست سراب

وز بحر کفش مزرع هستی سیراب

(۵۰۹/۹)

علم امام جواد^(ع):

به علم و دانش و عرفان سرآمد دوران

به نور بینش و ایمان فرید عصر و زمان

(۴۹۴/۵)

فروغ علم لدن بود در دلش مضمَر

که بود علم لدنیش ارث جدّ و پدر

(۴۹۴/۱۰)

در قلزم علم و دانش و فضل تقی

باشد اثر دو صد فلاطون چو حباب

(۵۰۹/۱۰)

چنان که بودند اجداد آن امام امم

به علم اول و آخر به امر حق اعلم

امام نیز بدان سان فرید و اعلم بود

به فضل و علم و عمل افتخار عالم بود

(۴۹۵/۱۲-۱۳)

امام جواد^(ع) همانند اجداد:

فدایی در این ابیات همانندی‌ها و صفات مشترک امام جواد^(ع) را با اجداد طاهرینش بیان نموده است.

محمد تقی آن هادی هدایت خلق

که در طریقت و شرع است مرشد ارشاد

به خُلق و خُو چو پیمبر، به عدل و داد علی

به حلم و صبر، حسن در گه صلاح و سداد

به رادمردی و آزادگی بسان حسین

به زهد و طاعت و تقوا چو سید سجاد

به درک علم چو باقر به صدق چون جعفر

به فضل و بذل چو موسی مرادبخش عباد

به اقتضای قضا چون پدر همیشه رضا

به گاه عهد و وفا استوار چون اجداد

(۱۲-۸/۵۱۳)

معجزه امام جواد (ع): امام جواد (ع) پس از شهادت پدر بزرگوارش، در سن هشت سالگی به امامت رسید و از نوعی پیشرفت معنوی و نفوذ باطنی برخوردار بود. در حدیثی از یحیی بن اکثم نقل شده است:

«روزی برای زیارت قبر رسول خدا (ص) رفته بودم که امام جواد (ع) را دیدم. با او در خصوص مسائل گوناگونی مناظره کردم. همه را پاسخ داد. به او گفتم: خواستم از شما چیزی بپرسم؛ اما شرم دارم از پرسش. امام جواد فرمود: بدون آنکه سؤالت را بپرسی من پاسخ آن را می‌دهم. تو می‌خواهی بپرسی امام کیست؟ گفتم: آری. به خدا سوگند همین است. فرمود: منم. گفتم: بر این مدعا نشانه و حجتی دارید؟ در این لحظه عصایی که در دست امام بود، به سخن آمد و گفت: «أنته مولایی امام هذا الزمان و هو الحجة، همانا او مولای من و امام این زمان است و حجت خداست» (الکافی، ج ۱: ۳۵۳).

به کودکی پی آزادی از قیود ستم

که در مبارزه جز او فراشتی پرچم؟

اگرچه بود به ظاهر هنوز طفل صغیر

ولی به فضل و کرامات وجود شد تشهیر

اگر که در کف موسی عصا چو اژدر شد

به یمن معجز او هم عصا سخنور شد

(۴۹۵/۴-۶)

سخنان قصار امام جواد^(ع): فدایی هروری در دیوان خود، گذشته از مدح امام جواد^(ع)، به سخنان قصار آن حضرت نیز پرداخته است. موضوع بعضی از این احادیث از این قرار است: پرهیز از عیب جویی: (۶-۵۱۰/۵)، ادب نفس: (۸-۵۱۰/۷)، اعتماد به خداوند: (۵-۵۱۱/۴)، هم صحبت بد: (۱۰-۵۱۱/۸)، اطاعت نفس: (۷-۵۱۲/۶)، نیت در عمل: (۷-۵۱۱/۶)، عهد و پیمان: (۱۳-۵۱۲/۸) و سه خصلت نیک: (۳-۵۱۲/۱).

۲-۷. امام حسن عسکری^(ع)

فدایی قصیده‌ای در مدح امام حسن عسکری^(ع) سروده است که در آن از عظمت، اوصاف، جود و بخشندگی و چگونگی به شهادت رسیدن آن حضرت سخن می‌گوید. عظمت امام حسن عسکری^(ع):

هست چتر اقتدار و سایبان رفعتش

سایه‌گستر بر فراز گنبد نیلوفری

(۱۶۰/۱۲)

پیش ایوان جلال و کاخ قدرش آسمان

بهر تعظیم و تواضع ساخت قامت چنبری

(۱۶۱/۱)

تابع فرمان والایش زمین و آسمان

بنده احسان و جودش از ثریا تا ثری

(۱۶۰/۱۰)

سخاوت امام حسن عسکری^(ع):

صد چو حاتم پیش دست جود او کمتر گدا

صد چو خاقان آستانش را نماید چاکری

(۱۶۱/۲)

سایه لطفش نشیمن گاه ارباب نیاز

سفره جودش بود بحر عنایت گستری

(۱۶۰/۱۴)

زیبایی و اوصاف امام عسکری^(ع):

جلوه حسنش برد خورشید و مه را در خسوف

کاخ اجلالش کند با عرش یزدان همسری

در شمایل چون پیمبر، در خصایل چون علی

چون حسن دارد ز رتبت بر جهانی برتری

در ره آزادگی چون سرور مردان حسین

پیش کاخ ظلم قامت خم نکرد از مهتری

(۱۶۱/۳-۵)

۲-۸. حضرت مهدی (عج)

فدایی هر وی امام زمان (عج) را در چند قالب شعری مدح کرده است. وی به تولد آن حضرت، نشانه‌های ظهور و وقایع بعد از آن اشاره دارد. همچنین از فضایل ایشان همچون عدالت، حکمت، شجاعت و پیشوای جن و انس بودن نیز نام برده است. انتظار ظهور امام عصر (عج) و انواع مشکلات و نابسامانی‌هایی که دامن‌گیر منتظران مهدی (عج) بوده نیز در شعر فدایی بازتاب یافته است.

تولد حضرت مهدی (عج): امام زمان (عج) دوازدهمین حجت حق، همانند نور جهان افروز، در پانزدهم شعبان این ظلمت‌سرای عالم را نور بخشید و نام آن شد مهدی موعود.

چه جلوه ایست که ظلمت‌سرای عالم را

بسان مهر جهان‌تاب داده نور و صفا

وزد نسیم بهشت از فضای کون و مکان

ز نکبت گل مولود نیمه شعبان

(۳۰۰/۴-۵)

که شد در این چمن از لطف کردگار و دود

شکفته نوگل رخسار مهدی موعود

(۳۰۰/۱۱)

در انتظار ظهور مهدی (عج):

به سحر رسان تو یا رب شب انتظار ما را

که سواد دیده روشن شود از لقای مهدی

(۱۰۵/۱۱)

شتاب کن که تویی مُصلح جهان بشر

نفاق و تفرقه رایک سر از میان بردار

(۱۶۶/۸)

به انتظار ظهور تو انس و جن و ملک

ستاده اند صف اندر صف ای سپهسالار

(۱۶۶/۵)

همچنین در دیوان فدایی ترجیع بند زیبایی در ۴۸ بیت با مطلع «ای آفتاب جلوۀ نور تو مهدیا/ ایوان عرش بزم حضور تو مهدیا» دربارهٔ انتظار منجی موعود سروده شده است (۱۸۶-۱۸۹).

عدالت امام عصر^(عج): عدل امام زمان^(عج) همچون خورشیدی است که از مشرق سر بیرون می‌کند و سراسر کرهٔ خاکی را فرامی‌گیرد. نور این خورشید حتی بر حیوانات وحشی و درنده نیز تأثیر می‌گذارد؛ تا جایی که پلنگ با آهو و گرگ با میش در یک جا دیده شده و مونس هم می‌شوند.

شه سریر خلافت که با عدالت او

بود پلنگ به آهو ز صدق، مونس و یار

(۱۶۵/۱۰)

قوام دین پیمبر، ولی دادآور

خلیل بت شکن و میر معدلت گستر

(۳۰۰/۱۳)

زمین ز نور منور، زمان به وجد اندر

از اینکه سر زده خورشید عدل از خاور

(۳۰۰/۶)

توسل به امام زمان (عج): انسان‌های مظلوم از طرف استبدادگران روزگار رنج‌ها کشیده
و همه مشتاق ظهور امام عصر (عج) هستند.

اگر از جفای دوران تن دردمند داری

ز کسی مجوی درمان بخر از شفای مهدی

(۱۰۶/۱)

ایا ز نور جمال تو ماسوا روشن

ز خاک پای تو ما راست دیده‌ها روشن

بیا به یاری مستضعفان عرصه خاک

که داد بی کسی ما رسیده بر افلاک

بیا و فتنه ارباب بی مرّوت بین

نفاق و تفرقه و جنگ شوم قدرت بین

به دام حادثه، بی سرنوشت بین ما را

به کام وسوسه، دور از بهشت بین ما را

(۳۰۱/۱-۴)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۳. نتیجه‌گیری

بررسی دیوان براتعلی فدایی هروی، شاعر برجسته معاصر افغانستان، نشان می‌دهد که حدود ۶۰ درصد از اشعار وی با موضوع اهل بیت^(ع) سروده شده است. این آمار از اعتقادات شیعی او و عشق و محبت وی نسبت به اهل بیت^(ع) است. فدایی در افغانستان معروف به شاعر مقاومت و پایداری است. او در مقابل ظلم قد علم کرده و با سلاح قلم و چاره‌جویی از پیامبر^(ص) و مکتب اهل بیت آن حضرت، علیه بدخواهان وطن و مردمش به پا خاسته و در شعر خود فریاد برآورده است تا دیگران را نیز از خواب غفلت بیدار کند. او آن فرزندگان را الگوی انسانیت قرار داده و مردم را برای نجات از سختی و مشکلات، به توسل به اهل بیت^(ع) ترغیب می‌نماید. او همواره از خاندان عصمت و طهارت مدد خواسته و آنان را شفیع روز رستاخیز می‌داند. در دیوان او مدح پیامبر^(ص) و حضرت علی^(ع) نسبت به دیگر معصومین^(ع) بسامد بالاتری دارد. به طور کلی، اشعار فدایی را با موضوع سیمای اهل بیت^(ع) می‌توان به چند دسته کلی تقسیم کرد: مدح، نعت و توصیف، عظمت اهل بیت^(ع)، محبت اهل بیت^(ع)، استمداد و توسل و شفیع قراردادن اهل بیت^(ع)، الگو قراردادن امام حسین^(ع) برای جوانان مبارز وطن، سخنان قصار حضرت علی^(ع) و امام محمدتقی^(ع)، شعر انتظار و شکوه‌هایی در پیشگاه امام عصر^(عج).

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶). الغدير في الكتاب و السنه و الادب. قم: مركز الغدير للدراسات الاسلاميه.
۳. ایجی، عبدالرحمن [بی تا]. المواقف في علم الكلام. بيروت: عالم الكتب.
۴. حجازی، عبدالرسول (۱۳۸۴). مثل علی (ع) هرگز: تهران: پگاه.
۵. زمخشري، جارالله (۱۴۱۵). الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل. قم: البلاغه.
۶. طباطبایي، سيد محمد حسين (۱۳۷۸). تفسير الميزان. ترجمه محمدباقر موسوی. تهران: رجا.
۷. طبرسي، فضل بن حسن (۱۳۸۳). مجمع البيان في تفسير القرآن. قم: ناصر خسرو.
۸. طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲). تاريخ طبری. ج ۱ و ۳. تهران: اساطير.
۹. طوسی، محمد بن حسن [بی تا]. التبيان في تفسير القرآن. به تحقیق احمد حبيب عاملی. بيروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۷). كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد. به تحقیق حسن حسن زاده آملی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب). بيروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. فدایی هروی، برات علی (۱۳۹۹). دیوان. هرات: آن.
۱۳. فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۸۰). احادیث و قصص مثنوی. به کوشش حسین داودی. تهران: امیرکبیر.
۱۴. قزوینی، محمد کاظم (۱۳۸۹). حضرت فاطمه (س) از ولادت تا شهادت. قم: مرتضی.
۱۵. کلینی، محمد یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتاب اسلامیة.
۱۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار ج ۱، ۱۲، ۲۰، ۴۴، ۳۹، ۱۰۲ و ۱۰۵. بيروت: دار احیاء التراث العربی.